

نقش صنایع مونتاز و وابسته

در نابودی کشاورزی و تشدید مهاجرت

و حال متن حاضر ره توشه‌ای از همان بحث و صحت هاست که یکی از برادران عضو مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی ارائه نموده است و در آن سعی شده پیرامون چگونگی شکل گیری صنایع مونتاز در رژیم گذشته و ارتباط آن با تشدید مهاجرت، بررسی و نقد سیاست‌ها و چگونگی برخورد با موارد آن بعد از انقلاب و وضعیت فعلی کشور و راه حل و پیشنهادات، بحث شود که اگر چه محتوای تحلیل کامل نبوده و نقص‌هایی دارد اما امید است حداقل کوششی باشد در بررسی علل و عوامل مهاجرت و چاره جویی بهتر برای آن. انشاءالله

داشته و دارد نقش «صنعت» بعنوان یک قطب بزرگ می‌باشد. جهاد سازندگی از ابتدا بطور عینی و ملموس با پدیده مهاجرت برخورد داشته و یکی از معضلات مهم آن همین مسئله می‌باشد که خوشبختانه بعد از تشکیل سمینار بررسی مسائل روستائی تنی چند از برادران در دفتر مرکزی با تشکیل جلساتی پیرامون این مسئله تحقیقاتی را شروع کردند که مناسفانه مدتی است در تداوم آن وقفه ایجاد گردیده و به تعطیلی کشیده شده است که ما ضمن آرزوی توفیق برای این برادران امیدواریم که همچنان این مهم را پی گیری کرده تا که انشاءالله بتوانیم به یک جمع بندی اصولی و راه حل عملی‌تری برسیم.

مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها از جمله مشکلات عمده فعلی کشورمان بوده و هست که کم و بیش توجه مسئولین و عموم صاحب نظران را برای حصول به یک راه حل عملی و معقول جلب کرده است. در این میان مشکلات عوامل دفعی فراوانی وجود داشته که روستائیان از خانه و کاشانه خود بریده و راهی شهرها شوند، اما عمده تحقیقات و بررسی‌ها در چارچوب روستا و سیاست‌های مورد عمل درباره روستا و کشاورزی باقی مانده است و کمتر پیرامون عوامل جذبی در شهرها بخصوص در شهرهای بزرگ پرداخته شده و یکی از آن پدیده‌ها که نقش مستقیم و غیر مستقیم در جذب مهاجرین

شهرها به این علت خطر عظیمی محسوب میشود که عامل اساسی در عدم استقلال کامل اقتصادی - فرهنگی کشور است.

۱- چگونگی شکل گیری صنایع مونتاز و وابسته و مصرفی در رژیم گذشته و نقش آن در تشدید مهاجرت و اثرات آن بر روی روستاها پس از کودتای ۱۳۳۲ و شروع جایگزینی امپریالیسم تازه نفس آمریکا بجای استعمار انگلیس در ایران واضح بود که آمریکا در چهار چوب حاکمیت سیاسی و نظامی بر ایران باقی نماند و اقدامات خود را در جهت تسلط کامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی گسترش دهد. اقدامات مقدماتی اداری ناسال ۱۳۴۰ ادامه داشت و اقدامات عملی تر از سال ۱۳۴۰ به بعد همراه با به اصطلاح انقلاب سفید شاه آغاز شد.

استقلال واقعی اقتصادی ما مسلما از کشاورزی می‌گذرد لذا مهاجرت روستائیان به شهرها را میتوان مانع بزرگ و اصلی در استقلال اقتصادی و توسعه‌های کشور دانست. مسئله مهم دیگر رواج فرهنگ مصرفی در کشور است که محل رشد آن در شهرها بوده و مناسفانه به علت نبودن الگوی مصرف مشخص و صحیح در شرایط فعلی، جو مصرف گرایی غرب باقیمانده از رژیم سابق که مسلما مانع بزرگی در استقلال فرهنگی بشمار میرود هنوز تأثیر خود را می‌گذارد. نتیجتاً یکی دیگر از عوارض مهم مهاجرت روستائیان به شهرها، رواج بیشتر فرهنگ مصرف و مصرف‌گرایی باقیمانده از رژیم فاسد پهلوی و ایجاد فشار بیشتر در رشد این فرهنگ وابسته است. خلاصه اینکه: ادامه مهاجرت روستائیان به

✱ چگونگی شکل گیری صنایع مونتاز و مصرفی در رژیم گذشته و نقش آن در تشدید مهاجرت

در ابتدا لازم است که اشاره شود که، از مهمترین عللی که موجب میشود مهاجرت‌ها را به عنوان پدیده‌ای خطرناک تلقی کنیم اینست که کشور ما یک کشور کشاورزی است تا صنعتی. منابع، زمینها و نیروهای عمده ما در روستاها بوده و هستند و اگر چه در ۱۵ ساله آخر رژیم شاه، ضربه‌ای بسیار مهلکی بر بستر روستاها و تولید کشاورزی و نیروهای موند ما خورده و از طرف دیگر صنایع وابسته و مونتاز رشد سریعی کرده است، اما هنوز باید بر این باور باشیم که راه

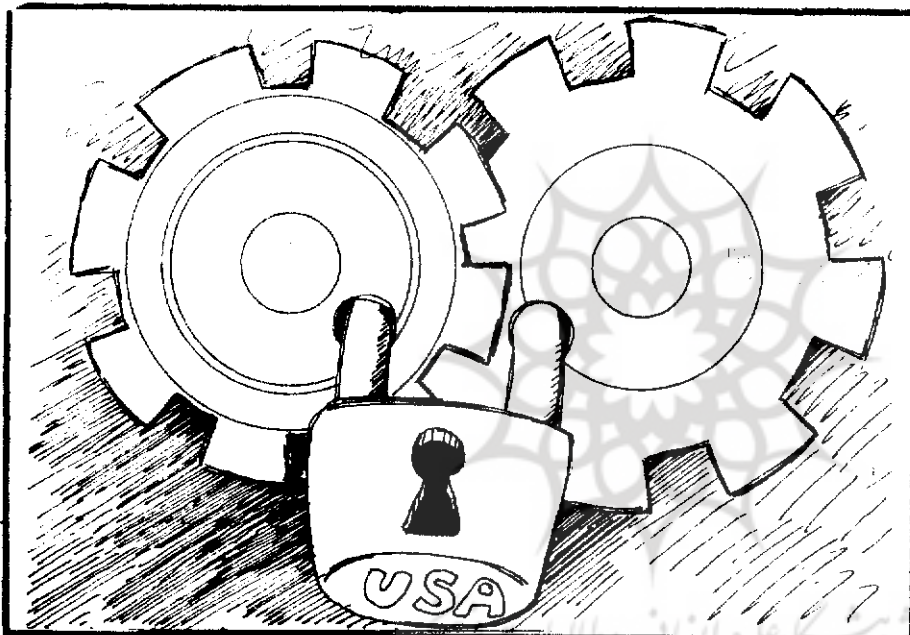
**ادامه خط وابستگی رژیم
گذشته باعث شد که جمعیت
روستائیان کشور از ۷۵٪ کل
جمعیت (قبل از سال ۴۲-۴۱) به
۵۴٪ (اواخر رژیم) و حتی اخیراً
به ۴۹٪ کل جمعیت کشور تقلیل
یابد.**

کشاورزی و دامپروری ۲ میلیارد تومان
به: کالاهای سرمایه‌ای - صنایع و معادن ۱۸ میلیارد

ماموریت رژیم شاه این بود که، خودکفائی نسبی کشاورزی را از بین برده تا وابستگی به محصولات خارجی تشدید شود، شهرنشینی به عنوان بازار مصرف برای کالاهای وارداتی غرب گسترش یابد، با ایجاد صنایع وابسته و مونتاژ و انعقاد قراردادهای اسارت بار صنعتی بنام لیسانس، کارگر ارزان برای سرمایه داران غربی به کار گرفته شود، نطفه های صنعت ملی و مستقل نیز نابود شود، ساختمان سازی های مختلف گسترش یابد تا عامل تکمیلی برای جذب روستائیان به شهر ها و رشد شهر نشینی باشد، فرهنگ غربی به عنوان تضمین کننده و استمرار دهنده اهداف فوق اشاعه یابد، نفت هرچه بیشتر به فروش برود تا ارز حاصل از فروش آن، منبع اصلی و شاید تنها منبع اقتصادی تامین کننده موارد بالا باشد و خلاصه اینکه کشاورزی نابود شود و سیل مهاجرت روستائیان به شهر ها سرازیر شود تا ارباب از هر جهت بر اوضاع مسلط باشد، این روال ادامه داشت تا سال ۱۳۵۳ که با بالا رفتن قیمت نفت گام بزرگ و یا جهشی در جهت تشدید روند فوق صورت گرفت، نتیجه اینکه بر اثر تورم شدید حاصله، تجارت (واردات و توزیع) محور فعالیت اقتصادی شده تا جائیکه هر نوع محصول حتی پیاز و سیب زمینی از خارج وارد میشد (سال ۱۳۵۶)، در این سال حدود ۹۰٪ از درآمد ارزی، ناشی از فروش نفت بوده است که بیش از ۵۰٪ این درآمد به بخش صنعت اختصاص داشته است نتیجتاً سرمایه گذاری پروری صنعت که در سال ۱۳۴۰ - ۵ میلیارد تومان بود در سال ۱۳۵۶ - به حدود یکصد میلیارد تومان افزایش یافت، البته به موازات این به اصطلاح رشد صنعتی ابزار آن از جمله وزارت صنایع و معادن، بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایجاد شد و با تجدید ارزیابی پشتوانه اسکانس و (چاپ اسکانس بدون پشتوانه) وامهای فراوان نیز به صاحبان صنایع داده شد و عوارض گمرکی برای آنان حذف شد تا در ادامه خط وابستگی (در ضمن غارتگری خودشان) مشکلی نداشته باشند. در مقایسه ورود کالاهای مختلف در سال ۱۳۵۶ بیانگر چگونگی محور شدن مصرف و واردات و نیز رشد صنایع مونتاژ و وابسته ادر مواد اولیه و ماشین آلات) و تضعیف کشاورزی است.

الف: کالاهای واسطه‌ای - صنایع و معادن ۱۵ میلیارد تومان
راه و برق (خدمات) ۸۱ میلیارد تومان

تولید و رشد جمعیتی مسلماً رشد مصرف است. در شهرها هم محور فعالیت عمدتاً تجارت (واردات، توزیع)، خدمات و تولید کاذب صنعتی بود. طبق آمار مرکز آمار ایران (کتاب تازه های آمار ۱۳۶۱)، از کل کارخانه و کارگاههای بزرگ صنعتی کشور ۴۹/۷٪ در تهران و بقیه نیز با درصدهای ۷/۵ تا ۱/۶ درصد در شهر های بزرگ قرار دارند از کل وام مسکن پرداختی به کارگران در آن سال (مبلغ ۵/۸۷ میلیون ریال) فقط ۱۵۶۷ میلیون ریال به کارگران تهران تعلق گرفته است. از کل ساختمان های شروع شده در نه ماهه اول سال ۱۳۶۱ در مناطق شهری (۸۷۲۰۸ مورد) حدود ۸۲۰۲۲ مورد ساختمان



مسکونی بوده است. که ۸۸/۷ مورد آن در تهران و بقیه در شهرهای بزرگ ساخته شده است. از ازدواج کنندگان مرد در تهران در سال ۶۰ ۵۴/۶۴٪ شناسنامه غیر تهرانی داشته‌اند و این بیانگر چگونگی تشدید مهاجرت در بیست سال اخیر به تهران است. با توجه به آمار فوق و سیاستهای اعمال شده، تهران به عنوان محل جذب و میزبان مهاجرین

تومان
راه و برق (خدمات) ۹ میلیارد تومان
کشاورزی ۱ میلیارد تومان
ج: کالاهای مصرفی ۱۹ میلیارد تومان

ادامه این خط وابستگی رژیم شاه باعث شد که جمعیت روستائیان کشور از ۷۵٪ کل جمعیت (قبل از سال ۴۲-۴۱) به ۵۴٪ (اواخر رژیم) و حتی اخیراً به ۴۹٪ کل جمعیت کشور تقلیل یابد.

شعار کشاورزی مکانیزه و پیشرفته توسط رژیم نیز عاملی در جهت وابستگی کشاورزی به ماشین آلات وارداتی گوناگون و در نتیجه نابودی بیشتر کشاورزی مستقل و خودکفا شد.

مجموع سیاستهای خائنانه رژیم وابسته شاد باعث شد که روستاها روز بروز خراب تر و خالی تر و شهرها (به خصوص شهرهای بزرگتر) روز به روز شلوغ تر و مصرفی تر شود. چرا که نتیجه کم شدن

**از کل کارخانه ها و
کارگاههای بزرگ صنعتی
کشور ۴۹/۷٪ در تهران و بقیه
نیز با درصدهای ۷/۵ تا ۱/۶
درصد در شهرهای بزرگ قرار
دارند.**

بسیاری از مهاجرین به تهران و شهرهای بزرگ، روستائیان هستند که به دلیل محرومیت روستاها و عدم درآمد کافی، جذب شهر شده‌اند.

مختلف قرار گرفته بطوریکه تراکم جمعیت در سال ۱۳۵۹ در این بلاد کبیره ۹۵۹۸ نفر در کیلومتر مربع بوده است که در حال حاضر مسلماً بیشتر هم شده است. بسیاری از مهاجرین به تهران و شهرهای بزرگ، روستائیان هستند که به دلیل محرومیت روستاها و عدم درآمد کافی، جذب شهر شده‌اند، یا توجه به آمارگیری سال ۱۳۶۰ توسط جهاد سازندگی میبینیم که از کل آبادی های کشور فقط ۱۰٪ دارای برق، ۱۲/۵٪ دارای آب لوله کشی، ۱۲/۴٪ دارای حمام، ۵/۱٪ دارای غسالخانه، ۴/۱٪ دارای مراکز درمانی، ۳۱/۵٪ دارای دبستان، ۴٪ دارای مدرسه راهنمایی، ۵/۵٪ دارای دبیرستان، ۲۹٪ دارای مسجد یا حسینیه هستند. با بررسی آمار ارائه شده در کتاب تازه های آمار ۱۳۶۱، مشاهده میکنیم که متوسط هزینه خوراکی ماهانه یک خانوار روستایی برای مصارف مورد نیاز عمومی به شرح زیر است:

مبلغ به ریال	هزینه متوسط خانوار روستایی	هزینه متوسط خانوار شهری
آرد، رشته، غلات نان	۷۲۰۷/۷	۲۸۸۴/۶
انواع نان	۴۵۱۳/۷	۱۷۷۸/۶
گوشت دام	۴۲۴۴/۸	۶۹۳۹/۶
لبنیات و تخم مرغ	۳۱۰۵/۳	۲۵۶۹/۵
حبوبات	۳۴۳/۳	۳۳۷/۹
قند و شکر	۳۳۳/۳	۱۹۷/۹
پوشاک دخترانه و زنانه	۲۰۷۸/۶	۲۰۶۶/۸
پوشاک پسرانه و مردانه	۱۶۳۰/۴	۱۵۵۳/۵
آب، سوخت، روشنایی منازل	۱۶۷۳/۴	۱۴۰۴/۹

* بررسی و نقد چگونگی برخورد با موارد فوق و وضعیت فعلی صنایع

با توجه به مطالب موضوع اول در میابیم که ما وارث تمام مصیبت ها و مشکلات باقیمانده و تخمیلی از رژیم گذشته هستیم. در بررسی عملکرد های بعد از انقلاب این نکته کاملاً روشن است که

به علت بی سروسامانی اوضاع، بیش دولت موقت و عدم انسجام در پیش ها و دیدهای مدیران کشور و اصلاً عدم برنامه ریزی و خط دهی، برخورد ها عمدتاً عکس العملی و مقطعی بوده و تقریباً هیچگونه تغییر عمده ای در خطوط اقتصادی جامعه داده نشده است. صنایع به همان شکل باقی ماندند و واردات لوازم مصرفی نیز همچنان ادامه داشت بطوریکه حجم واردات در سال ۵۸، ۶۰ میلیارد تومان و در سال ۵۹، ۸۰ میلیارد تومان و در پنج ماه اول سال ۶۰، ۵۰ میلیارد تومان یعنی در سال ۶۰ حدود ۱۲۰ میلیارد تومان واردات داشته ایم. بعد از دولت موقت و ایجاد ثبات و انسجام سیاسی در کشور، متأسفانه آنطور که باید و شاید تغییرات عمده ای در سیاستها صورت نگرفت ظاهراً دید چنین است که کشاورزی را رونق و گسترش دهیم و صنعت مانده از رژیم

اقتصادی منفی دارند و اگر قطعات ساخته شده را وارد کنیم، ارزان تر تمام می شود. مثلاً شورولت ساخته شده در جنرال موتور در حدود ۹۰ هزار تومان هزینه دارد در صورتیکه اگر لازم باشد میتوان آنرا به قیمت ۷۰ هزار تومان از خارج وارد کرد. ضمناً در هر دو صورت وابستگی چندان تفاوتی نمی کند. ب: انواع این صنایع که بسیاری از آنها (پیکان، انواع اتومبیل شخصی، پفک نمکی، آداس و...) صرفاً جنبه مصرفی دارد، بر طبق الگوی مصرف معین بر اساس مکتب و فرهنگ ما، تعیین نشده بلکه برای وابستگی بیشتر و دامن زدن به فرهنگ رفاه طلبی، مصرف پرستی و شهر نشینی آنچنانی ایجاد شده است. ج: یکی از عوامل تشدید صدور نفت (که خود حفظ وابستگی است) وجود اینچنین صنایعی است.



گذشته را هم حفظ کرده و سعی کنیم تا مستقل شود و در نهایت به خودکفائی کشاورزی و صنعتی برسیم - اگر این نظر واقعاً عملی بود، مسلماً - بهتر از این نمیشد، اما با دقت بیشتر دریافت صنایع و انواع آنها ملاحظه میشود که برای حل این مشکل بزرگ بیشی دگرگون کننده و مبتنی بر اعتقاد به اصالت کشاورزی به عنوان راه نهایی استقلال اقتصادی، لازم است برای روشن شدن مطالب فوق نکات ذیل قابل ذکر است:

الف: اکثریت مطلق کارخانه های ما از لحاظ ماشین آلات، دانش فنی، مواد اولیه، کالای نیم ساخته و قطعات مورد نیاز وابسته به خارج هستند. تعداد قابل توجهی از این کارخانه ها ارزش

ارز حاصل از فروش نفت، تبدیل به انواع مواد اولیه و قطعات مختلف برای این کارخانه ها می شود و در ضمن دولت سوبسید زیادی نیز در رابطه با ارز دولتی (قیمت دلار ۷ و ۸ تومان که در حقیقت ۲۵ تومان میباشد در بازار سیاه این مقدار به ۴۰ میلیون هم میرسد) به صنایع میدهد. منابع ارزی کشور هم آنقدر نیست که بگوئیم هرچقدر که صنعت جذب می کند، بدهیم به کشاورزی هم اولویت میدهیم. مسلماً اگر صنعت فعلی با وسعت جذب سرمایه ای که دارد، کنترل شود، کشاورزی در برنامه ریزی ها سرش بی کلاه میماند، لذا در برنامه پنج ساله مشاهده میشود که اگر چه کشاورزی اهمیت بیشتری نسبت به برنامه های

مسئله اگر صنعت فعلی با وسعت جذب سرمایه ای که دارد کنترل شود، کشاورزی در برنامه ریزیها سرش بی کلاه می ماند چنانچه در برنامه پنج ساله در رابطه با پیش بینی ارزش افزوده می بینیم که نرخ متوسط رشد کشاورزی ۷٪ و صنعت معدن ۱۴/۱٪ است.

سالانه قبلی (بودجه هرسال) داده شده است. اما سهم صنایع بسیار چشمگیرتر است و در کل میتوان گفت جهت گیری برنامه پنج ساله عمدتاً بطرف صنعت و رواج آنست و کشاورزی آنطور که باید و شاید محور توسعه نیست. مثلاً در این برنامه، در رابطه با پیش بینی ارزش افزوده، بخش های مختلف می بینیم که نرخ متوسط رشد کشاورزی ۷٪ و صنعت معدن ۱۴/۱٪ است. البته علت این است که با ۷٪ رشد کشاورزی، لازم است بخشهای دیگر که در تولید ابزار آلات این واحد نقش دارند (صنایع) و یا محصولات این بخش را به مواد مصرفی دیگر تبدیل می کنند (صنایع) نرخ متوسط رشد بیشتری داشته باشند، یعنی نرخ متوسط رشد ارزش افزوده، صنعت ۱۴/۱٪ باشد، در اینجا جای این سوال هست که منظور از صنعت آیا صنعت در خدمت کشاورزی و صنایع مهم و مستعد استقلال است و یا خیل عظیم کارخانه های رنگارنگ وابسته و مونتاژ را هم شامل میشود؟ همچنین در رابطه با برداشتهای ارزی برنامه اول می بینیم:

	سال ۶۲	سال ۶۳
کالاهای مصرفی	۴۰۶	۴۵۸/۷
کالاهای واسطه ای		
۱- صنایع و معدن	۶۳۰/۴	۷۷۸/۴
۲- ساختمان	۷۴/۷	۹۲/۱
۳- کشاورزی و دامپروری سرمایه ای	۳۳/۲	۴۱/۱
صنایع و معدن	۲۵۸/۳	۴۰۰/۳
کشاورزی	۵۲/۴	۸۱/۳

و با توجه به اینکه منابع ارزی ما چندان نیست لذا اولویت دادن به هریک از این بخشها، جهت گیری کلی را نیز تصویر می کند.

د: صنعت فعلی ما، ادامه طبیعی صنعت قدیمی و سنتی ما نیست، بلکه تکنولوژی وارداتی آن چنان فاصله ای ایجاد کرده است که ادامه این روال جز ادامه وابستگی نیست و استقلال صنعتی با این روال بسیار بعید و یا حداقل بسیار طولانی و پر ضرر خواهد بود. در ضمن بسیاری از صنایع، پیوند لازم را با معادن ما ندارند و این کاملاً طبیعی است، چرا که ایجاد بسیاری از این صنایع برای وابسته کردن بوده است و نباید انتظار داشت ادامه روال فعلی استقلال صنعتی را به ارمغان بیاورد. با توجه به موارد فوق، میتوان پرسید آیا ادامه پروژه های زمان شاه همه به صرفه است؟ آیا ادامه تکمیل فولاد مبارکه اصفهان که از بندرعباس به مبارکه منتقل شده و مثل خوره بجان کشاورزی منطقه افتاده است، در همان محل و با آن همه سرمایه گذاری به صلاح است؟ آیا شروع طرح توسعه پتروشیمی شیراز ما ظرفیت ۱۶۰۰ تن در روز در کنار کارخانه اصلی که ظرفیت ۱۶۰ تن در روز دارد با صرفه است؟ کارخانه جدید قرار است کود تولید کند از کلیه مراحل تولید تا بارگیری و بسته بندی و باسکول کردن تمام اتوماتیک و با دستگاه انجام میشود، آیا میتوان با این سرمایه گذاری عظیم و بکارگیری تکنولوژی پیچیده و وابسته، چند کارخانه با ظرفیت کمتر در نقاط مختلف کشور ایجاد کرد؟ آیا نیروی انسانی آنقدر کم داریم که باید همه کارها را ماشین انجام دهد؟ کارخانه پلی اکریل سال گذشته حدود ۹۰۰ میلیون تومان ضرر داشته و کارخانه ماشین سازی تبریز با ظرفیت ۳۰ هزار تن در سال، معمولاً ۳۰٪ بیشتر راندمان نداشته است، آیا بنظر نمیرسد علت اصلی این ضررها، بافت این کارخانه ها، تکنولوژی پیشرفته و وابسته و عدم توان مدیریت در حل آنها باشد؟ این ها و نمونه های مختلف دیگر، ذهن را آزار میدهد. شاید همه این موارد جواب کاملاً روشن داشته باشد و ادامه این روال بر مبنای تحلیلی دقیق و برنامه ریزی حساب شده باشد اما بنظر میرسد که کاملاً بعد از انقلاب از این برنامه ریزی ها در جهت تغییر اساسی کمتر بوده و هر مدیر یا مسئولی سعی کرده کارخانه یا حوزه مسئولیت خود را به بهترین وجه اداره کند. دادن

شعار از دیاد کمی تولید هم بدون توجه به مسیر آینده این تولید، وابستگی را کم نکرده، بلکه تشدید خواهد نمود. چرا که با سرعت زیاد، تغییر مسیر ممکن نیست و برای تغییر مسیر، بلکه مواردی دور زدن نیاز به توقف مقطعی نیز هست که موارد آن در پیشنهادات خواهد آمد.

راه حل ها و پیشنهادات:

با توجه به موارد بندهای اول و دوم روشن شد که ادامه روال فعلی در وضعیت صنایع، نه تنها ما را در وابستگی صنعتی بیشتری فرو میبرد بلکه به علت محدودیت در منابع ارزی و نیز دردهای کشور، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را هم محدود می کند و خود عاملی است برای ادامه مهاجرت روستائیان و کشاورزان به شهرها. نتیجتاً لازم است در یک خط کلی افق آینده را روشن کنیم و خیلی جدی کشاورزی را، راه اساسی رسیدن به استقلال اقتصادی تلقی کنیم و با سرمایه گذاری کافی روی این بخش و نیز روی عمران روستاها، بتوانیم سیر مهاجرت را به عکس کرده و انشاء الله بزودی شاهد باشیم که کارگران روستائی کارخانجات مضر و وابسته با پیدا کردن تضمین عملی (زمین، آب، درآمد کافی کشاورزی) به روستاهای خود بازگشته و بجای رشد دادن تالوتهای در جهت استقلال اقتصادی و بهبود وضع روستاها گام بردارند - پیشنهاداتی در مورد تغییر وضع صنایع عرضه میگردد:

۱- مهمترین مسئله اینست که این تغییر خط اساسی اقتصادی از شهر و مصرف گرایی به روستا بقیه در صفحه ۶۸

بسیاری از صنایع (پیکان، انواع اتومبیل شخصی، آدامس و....) صرفاً جنبه مصرفی دارد، بر طبق الگوی مصرف معین بر اساس مکتب و فرهنگ ما تعیین نشده، بلکه برای وابستگی بیشتر و دامن زدن به فرهنگ رفاه طلبی، و شهرنشینی آنچنانی ایجاد شده است.

تولید و استقلال جز با استفاده از شرایط انقلاب و جو بسیجی مردم امکان پذیر نیست و هرچقدر زمان بگذرد این عمل مشکل تر و در شرایطی خدای ناکرده ناعلاج خواهد بود.

۲- اولین قدم تعیین الگوی مصرف با تکیه بر ارزش ها و اعتقادات و فرهنگ اصیل اسلامی است تا بتوان با تکیه بر آن، با مصرف گرایی غربی مبارزه کرد.

۳- بسیج تبلیغی فرهنگی برای مبارزه با وسوسه مصرفی.

۴- برنامه ریزی دقیق و دادن بهای لازم و واقعی و عملی به کشاورزی و روستا و حذف خدمات غیر قابل توجه برای شهرهای بزرگ، زمینه سازی برای مهاجرت معکوس.

۵- شناسایی و رشد دادن واحدهای صنعتی کوچک (کارگاهها) که دارای ساخت مستقل و ملی هستند به عنوان نطفه های سالم و واقعی صنعت آینده کشور و سوق دادن این واحدها در جهت تولید و مسائل کشاورزی.

۶- تعطیل واحدهایی که تولیدات آنها با مدل مصرفی (بند ۲) هماهنگ نیست و نیز تعطیل کارخانه هایی که امکان افتدانشان در آینده با ارزش اقتصادی منفی دارند.

۷- سرمایه گذاری در تبدیل منابع خام به کالاهای نیم ساخته و ساخته شده و رشد صنایع سنگین از قبیل درب فلزات، ریخته گری و... و نیز سرمایه گذاری در جهت تولید کالاهای سرمایه ای و واسطه ای اساسی و مهم برای صنایع ضروری.

۸- ایجاد دیوار گمرکی و تعیین عوارض گمرکی برای کلیه کالاهای و بخصوص مواد و قطعات نیم ساخته مورد نیاز کارخانجات و نیز حذف تسهیلات بانکی و سوبسید ناشی از قیمت رسمی و واقعی ارزها نسبت به ریال برای واردکنندگان کالاهای خارجی در رابطه با کشاورزی مکانیزه هم این نکته قابل توجه است که دامن زدن به این شعار بیکاری را رشد میدهد، چرا که در کشور مانیروی کار آفتور زیاد داریم که احتیاج به جایگزینی ماشین نیست و در ضمن با توجه به وابستگی صنعتی، لازم است ماشین ها و ابزار کاملاً ساده

است. بسیج نمی شوند و از طرف دیگر غالب بیسوادان ما در مناطق محروم زندگی می کنند و بدین لحاظ کودکان، نوجوانان و بزرگسالان به خاطر فشار زندگی، فرصت و یا انگیزه شرکت در کلاسهای سوادآموزی را ندارند. از کارفصلی و تداخل آن با کلاسهای سوادآموزی نیز که باعث وقفه در کلاسها و طبعاً انصراف عده ای از ادامه سوادآموزی میشود بعنوان یکی دیگر از مشکلات نهضت در روستاها نام برده میشود. از جمله دیگر مشکلات، کمبودهای امکاناتی بخصوص در مناطق دورافتاده است که تداوم و شتاب هرچه بیشتر حرکت نهضت سوادآموزی منوط به حل صحیح این مشکلات است.

یکی از مایه های امید در رفع این مشکلات، تصویب اساسنامه جهادسازندگی و توجه به یکی از مواد آن است که ضمن آن به همکاری جهاد با نهضت در امر سوادآموزی روستائیان وجهه قانونی داده شده است. (۱۱) جهاد به خاطر بافت مردمی و انقلابی خود هیچگاه در چهارچوب امکانات و ابزارآلات و مقررات دست و پاگیر نگنجیده بلکه همواره با تکیه به ایثار و فداکاری اعضای خود، لبیک گوی

نیازهای مستضعفین روستا بوده است و به همین خاطر توان حرکتهای ضربتی و بسیجی برای ریشه کن کردن بیسوادی را دارد. از این گذشته جهادگران به خاطر اثبات صداقت و ایثار خود، در دل های مردم روستا جای داشته و به این خاطر توانایی بسیج توده های روستایی و طبعاً افزایش جاذبه کلاسهای سوادآموزی را دارند و از آنجا که پس از گذشت بیش از ۴ سال از فعالیت جهاد در روستاها و مناطق دورافتاده اینک جهاد «جاافتادگی» و ثبات لازم را

کسب نموده و نیز با فرهنگ بومی، وضعیت اقتصادی و جغرافیایی مردم مناطق مختلف آشناست، تسلط، قدرت عمل و امکانات بیشتری را در اختیار دارد که میتواند در خدمت سوادآموزی روستائیان قرار دهد. از سوی دیگر از آنجا که ضعفهای اساسی نهضت مربوط به برنامه ریزی است، جهاد به خاطر تجارب بسیار خود در روستاها میتواند با دیدی همه جانبه و عمیق نقش موثری در برنامه ریزی حرکت درازمدت نهضت در روستاها

بکار گرفته شود تا مشکل قطعات یدکی و از کار افتادگی ماشین، تهدید کننده کشاورزی نباشد در این رابطه پیشنهادی شود که سعی شود با دادن تغییرات در کارخانه های تراکتورسازی تبریز و کومباین سازی (مونتاژ) اراک، ماشین های ساده تری نظیر کومباین کششی (که با نیروی تراکتور حمل میشود) و یا دروگر کوچک موتوری تولید کرد که ما را از وابستگی در وسائل کشاورزی برهاند البته تولید ابزار ساده تر کشاورزی نظیر بیل و داس و... نیز باید در اولویت قرار گیرد.

در پایان جملاتی از حضرت امام خمینی و آیت الله العظمی منتظری را یادآور میشویم، باشد که راهنمای عملمان قرار گیرد.

«بطرف صنعت هم باید رفت ولی اگر از کشاورزی منحرف شوید، اسباب آن میشود آنچه ما نیاز داریم، از بین برود.»

(امام خمینی)
«باید به مسئله روستائیان کشاورز در مرحله تعیین بودجه و در بخش قانون گذاری بیش از پیش توجه نماید.»

(آیت الله العظمی منتظری)
«باید بومی تولید کننده روستایی از تولید خود احساس صرفه و استفاده نکند، انگیزه ای برای ماندن در روستاها و بالا بردن تولید بوجود نمی آید.»

(آیت الله العظمی منتظری)
«اگر بخواهیم کسانی که به شهرها مهاجرت کرده به روستاهای خود مراجعت کنند و به کوشش و تلاش و خودکفایی و تولید بپردازند، باید حتی المقدور از امکاناتی که در شهرها وجود دارد برای آنها نیز تهیه کرد.»

(آیت الله العظمی منتظری)
منابع: حدیق

۱- تازه های آمار ایران (سال ۶۱) مرکز آمار ایران

۲- مجله جهاد ویژه ۲۲ بهمن ۶۱ - مقاله بسیج و خم های وابستگی را چگونه طی کنیم.

۳- جزوات و اطلاعاتی از افراد مطلع در صنعت.